

برطرف کردن موانع برای آزادی‌شان شدند.<sup>۱</sup> اما در شرایطی که آزادی رهبران حزب توده قطعی به نظر می‌رسید، باز پرس شعبه ۱۵ دادسرای تهران (که مأمور رسیدگی به این پرونده بود) با تأکید بر اینکه «متهمین به اتهام تشکیل و اداره کردن جمعیتی که رویه و مرام اشتراکی دارد و بر ضد سلطنت مشروطه بوده، تحت تعقیب قرار گرفته‌اند» مرجع صالح رسیدگی را دادرسی ارتش تشخیص داد<sup>۲</sup> و پرونده را به دادستانی ارتش ارجاع نمود.<sup>۳</sup> بدین ترتیب احتمال آزادی رهبران زندانی حزب توده منتفی شد. با انتقال رهبری حزب توده به زندان قصر تهران، دکتر فروتن، رابط کمیته مرکزی حزب و هیئت اجرائیه سازمان افسران، از هیئت اجرائیه سازمان خواست که توانایی و امکانات سازمان افسران برای فرار رهبری حزب از زندان را بررسی کنند. هیئت اجرائیه، کمیسیون سه نفره سرهنگ مبشری (مسئول شعبه تشکیلات)، ستوان یکم شهربانی حسین قبادی (افسر زندان قصر) و دکتر فروتن را مسئول بررسی و طراحی عملیات فرار کرد. که جلسات آن در خانه سرهنگ مبشری تشکیل می‌شد.<sup>۴</sup> ستوان قبادی با شناختی که از ضوابط، مقررات و شرایط حاکم بر اداره شهربانی و زندان قصر داشت، در همان جلسات اولیه طرح زیر را ارائه کرد که مورد تصویب قرار گرفت. عده‌ای با لباس نظامی به همراه یک افسر ارشد، سوار بر کامیون ارتشی و با در دست داشتن حکمی از ستاد ارتش به زندان قصر مراجعه کرده و زندانیان را تحویل گرفته و خارج می‌سازند. اجرای این طرح، تدابیر و امکانات زیر را می‌طلبید:

۱. کیهان، سال نهم، شماره ۲۲۸۵، چهارشنبه ۸ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۸.
۲. همان، ص ۸، «بازرسی دادسرای تهران عدم صلاحیت خود را...».
۳. «فرار بازداشت متهمین سیاسی»، کیهان، سال نهم، شماره ۲۲۹۱، چهارشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۸.
۴. سرهنگ مبشری، اوراق بازجویی، ص ۱۷، به نقل از کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۹۲-۹۳.

۱. انتقال دو افسر شهربانی عضو سازمان به زندان قصر و تنظیم مأموریت آنها به گونه‌ای که در شب عملیات یک نفر مأمور کشیک خارج زندان و دیگری مأمور کشیک داخل یعنی بندهای زندانیان باشند. به این ترتیب افسر کشیک خارج با رؤیت حکم ستاد ارتش به گروه فرار اجازه ورود به محوطه زندان را داده و افسر کشیک بندهای زندانیان براساس همان حکم، زندانیان احضار شده را به گروه فرار تحویل دهد.

ستوان قبادی و ستوان یکم شهربانی رفعت محمدزاده کوچری، به یاری سازمان افسران به زندان قصر منتقل شدند و تا زمان فرار رابط رهبران زندانی با اعضای حزب توده در بیرون زندان بودند.

۲. تهیه حکم ستاد ارتش. سرهنگ مبشری که در دادرسی ارتش اشتغال داشت، براساس ضوابط و مقررات متداول در دادرسی، حکمی را بر روی کاغذ رسمی ستاد ارتش با ماشین تحریر و مهر و امضاء ستاد ارتش، تهیه کرد.

۳. نفرت نظامی به سرپرستی یک نفر افسر ارشد. هیئت اجرائیه سازمان افسران پس از بررسی به این نتیجه رسید که از افسران نیروی هوایی استفاده کند که تماس کمتری با دیگر قسمت‌های نظامی و انتظامی دارند و امکان شناسایی آنان ناچیز است. «در آذرماه ۱۳۲۹ موضوع را به صورت سریسته در شاخه نیروی هوایی مطرح کردند که برای یک عملیات خطرناک نیاز به داوطلب هست، که افراد زیر از بین داوطلبان برگزیده می‌شوند: سروان محقق‌زاده دوانی، ستوان یکم‌ها: منوچهر مختاری گلپایگانی، حسین مرزوان، محمدحسین خیرمحمدی، عبدالکریم انواری و خسرو پوریا. این عده چند روز قبل از انجام عملیات، در جریان قرار گرفته و تحت تعلیم سرهنگ مبشری قرار می‌گیرند. افسر ارشد قلابی، از کادرهای قدیمی و مورد اعتماد حزب توده به نام فریدون واتی بود. وی از رهبران شورش ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ پادگان هوایی قلعه مرغی بود که پس از شکست شورش دستگیر و از ارتش اخراج شده و در

سال ۱۳۲۳ به حزب توده پیوسته بود. راننده کامیون نیز از اعضای حزب توده بود که تاکنون شناخته نشده است. در مورد اسلحه افراد گروه «...» قرار شد برای سلاح افراد مأمور کامیون، از طپانچه کمبری که بچه‌ها با آن بازی می‌کنند تهیه شود. انتخاب اسباب بازی براساس این استدلال بود که چنانچه در جریان انتقال از [زندان] قصر مانعی پیش آید و مواجهه با مقاومت مأمورین زندان گردند، این چند نفر، هیچ‌گونه اقدامی با داشتن اسلحه کمبری نمی‌توانند بکنند و وجود همان سلاح جنگی موجب سنگین‌تر کردن اتهام آنها خواهد بود.<sup>۱</sup> البسه نظامی موردنیاز (یک دست لباس و نشان‌ها و درجه سرهنگ دومی، یک دست لباس گروهبانی، یک دست لباس ستوان یکمی و یک دست لباس و نشانها و درجه سرهنگ دومی، پنج دست لباس گروهبانی، یک دست لباس ستوان یکمی و یک دست لباس سربازی)، توسط سازمان افسران تهیه شد.<sup>۲</sup>

۴. وظیفه تهیه و تدارک کامیون برعهده حزب توده قرار می‌گیرد. آرسن آوانسیان از کادرهای مورد اعتماد رهبری حزب کامیونی خریداری و در تعمیرگاه خویش، آن را به صورت یک کامیون ارتشی درمی‌آورد با شماره ارتشی، پوشش برزنتی و کلیه علائم لازم بر آن.<sup>۳</sup>

۱. سرهنگ مبشری، صورت جلسات دادگاه تجدیدنظر نخستین دسته افسران توده‌ایی، صص ۴۴-۴۳، به نقل از: کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، صص ۲۸۵-۲۸۴.

۲. خسرو پوریا مدعی است که حسین مرزوان البسه نظامی را خریداری نموده، در حالی که پس از فرار رهبران زندانی، مأمورین آگاهی برای پیدا کردن فروشنده و خریدار لباس به لباس نظامی فروشی‌های تهران مراجعه نمودند که همه آنها از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. «پس از فرار سران حزب توده»، کیهان، سال نهم، شماره ۳۳۰۱، سه‌شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۸.

۳. علی زیبایی مدعی است که کامیون را از پول سرقت شده از صندوق راه آهن خریداری کردند، (کمونیسم در ایران، ص ۵۱۲)، در حالی که دکتر فروتن می‌نویسد «حزب توده پولی برای خریدن کامیون نداشت، آرسن [آوانسیان]... اطلاع داد که چهارده هزار تومان ذخیره نقدی

۵. تهیه و تأمین مخفیگاه مناسب و امن را گروه ۸ نفره خسرو روزبه برعهده می‌گیرند. آنان سه مکان آماده می‌نمایند و با توجه به خصوصیات اخلاقی و روابط فی‌مابین رهبران زندانی مشخص می‌شود که چه کسانی در کدام محل از کامیون پیاده شوند و به وسیله اتومبیلی که در انتظارشان بوده به مخفیگاه بروند.<sup>۱</sup>

رهبری حزب توده در نظر داشت که از میان زندانیان توده‌ای تنها اعضای رهبری حزب را فراری دهد، ولی هیئت اجراییه سازمان افسران اجرای نقشه فرار را به بودن خسرو روزبه در میان فراریان مشروط ساخت. خسرو روزبه در این مورد می‌نویسد: «دو روز پیش از فرار [ابوالحسن] عباسی به زندان قصر آمد و به‌طور خصوصی به من گفت که نقشه‌ای برای فرار اعضای کمیته مرکزی تهیه شده است و همه با فرار شما مخالف هستند ولی چون نقش عمده فرار به عهده سازمان نظامی است، من و سایر اعضای هیئت اجراییه سازمان پافشاری کرده‌ایم... [که روزبه] باید جزء این عده منظور گردد و از زندان فرار نماید. بهر حال فشار سازمان نظامی بر حزب، کمیته مرکزی را مجبور ساخت که در نظریه خودش تغییر بدهد و من [خسرو روزبه] را نیز جزء لیست [فرار] منظور نماید.»<sup>۲</sup>

با آماده شدن امکانات و مقدمات عملیات فرار، همه در انتظار تقارن

→

دارد. و آن را برای خریدن کامیون در اختیار حزب می‌گذارد.» (یادداشتی از گذشته: حزب توده در صحنه ایران، بخش یکم، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۷۲، ص ۱۵۴).

۱. برای اطلاع بیشتر رک به: دکتر فروتن، حزب توده در صحنه ایران، صص ۱۵۵-۱۵۲؛ مرتضی زربخت، «کار رزم‌آرا نبود»، آدینه، شماره ۱۲۲-۱۲۱، آبان‌ماه ۱۳۷۶، ص ۷۷ و ۷۹؛ مصاحبه نگارنده با خسرو پوریا.

۲. خسرو روزبه، اوراق بازجویی، صص ۱۲۵-۱۲۴، به نقل از کمونیزم در ایران صص ۵۷۰-۵۶۹.

نگهبانی ستوان یکم‌ها قبادی و محمدزاده به سر می‌برند. پس از مدتی ستوان قبادی گزارش می‌دهد، شب ۲۴ آذرماه ۱۳۲۹، که نگهبانی داخل و خارج زندان قصر برعهده وی و ستوان محمدزاده است، فرصت مناسبی برای اجرای عملیات فرار می‌باشد.

«عصر روز جمعه ۲۴ آذرماه، همه اعضای گروه فرار با لباس شخصی (سیویل) در خانه‌ای در خیابان رشت (ضلع جنوبی و موازی خیابان تخت جمشید) گرد آمدیم و سرهنگ مبشری آخرین توصیه‌ها و سفارشات را به ما گوشزد کرد، حرکات اضافی نداشته باشید، کاملاً عادی رفتار کنید، حرفی نزنید و... سپس افراد لباس‌های خود را تعویض نموده و لباس‌های شخصی را بقیچه‌بندی کرده و بجز راننده کامیون، طپانچه‌های قلابی را در جلد طپانچه گذاشته و در حدود ساعت ۱۹/۳۰ دقیقه از منزل خارج شده و با اتومبیل سواری به محل دیگری رفته و سوار کامیون ارتشی که در کوچه تاریکی پارک شده بود شدیم و چادر برزنتی عقب کامیون را انداخته و بقیچه‌های لباس را در زیر نیمکت‌های کامیون قرار دادیم و به سمت زندان قصر حرکت کردیم.»<sup>۱</sup>

سرهنگ مبشری و دکتر فروتن نیز در اتومبیل سواری به رانندگی آرسن آوانسیان، در پی آنان به حرکت درمی‌آیند. با توقف کامیون در برابر در ورودی زندان قصر، سرهنگ قلابی، حکم ستاد ارتش را به رویت ستوان قبادی رسانده و با اجازه و همراهی وی کامیون به داخل زندان رفته و در برابر ورودی زندان شماره ۲ سیاسی توقف می‌کند و ستوان قبادی به داخل «هشت زندان» رفته تا حکم را به رویت ستوان محمدزاده کشیک بندهای زندانیان رسانده و زندانیان مورد درخواست را تحویل بگیرد. رهبران حزب و روزبه که قبلاً در جریان قرار گرفته و آماده بودند به سرعت بیرون آمده و سرهنگ قلابی براساس فهرستی که در دست

۱. مصاحبه نگارنده با خسرو پوریا.

داشت اسامی آنان را خوانده و سوار کامیون می‌شوند. ستوان قبادی و سرهنگ قلابی در کنار راننده نشسته و ستوان محمدزاده بر روی رکاب کامیون می‌ایستد که پس از حرکت کامیون و ایستادن آن در نقطه تاریکی در محوطه زندان، محمدزاده نیز به داخل کامیون رفته و کامیون به سمت در ورودی زندان حرکت می‌کند. ستوان قبادی از کامیون پیاده شده دستور می‌دهد تا در بزرگ زندان را باز کنند و کامیون خارج می‌شود.<sup>۱</sup> همچنین با تحویل دادن طوق نهبانی به سرپاسیان یکم مطهری به وی می‌گوید مراقب باش تا من برگردم.<sup>۲</sup> و سوار کامیون شده و همگی از محل دور می‌شوند. کامیون در سه محل از پیش تعیین شده توقف کرده و فراریان و ستوان‌ها محمدزاده و قبادی را به افرادی که در انتظارشان بودند تحویل داده و از محل دور می‌شوند. در نهایت اعضای گروه فرار را به خانه کوچه رشت برده و پیاده می‌کنند و همان شبانه کامیون را به صورت غیر ارتشی در می‌آورند.<sup>۳</sup>

صبح روز شنبه ۲۵ آذر ماه اداره کل شهربانی طی اعلامیه‌ای فرار زندانیان توده‌ای را به آگاهی عموم رسانید. از آن زمان به بعد اظهارنظرهای متفاوتی نسبت به فرار رهبران مطرح شد. عده‌ای مدعی شدند که این فرار به اشاره و خواست برخی از مسئولین لشکری و کشوری بوده زیرا «... اگر کار همدستان توده‌ای آنها بوده چرا سایر زندانیان توده‌ای را نجات نداده‌اند و تنها افرادی را خارج کردند که

۱. مصاحبه نگارنده با خسرو پوریا؛ مرتضی زربخت، «کار رزم‌آرا نبود»، همان، ص ۷۸؛ خسرو پوریا مدعی است برخلاف آنچه شایع است، رهبران زندانی نه تنها مقاومت نکردند بلکه به سرعت سوار کامیون شدند و برای حفظ ظاهر تنها غرولندی کردند.

۲. «نقشه فرار ده نفر از زندانیان...»، اطلاعات، سال بیست و پنجم، شماره ۷۳۹۹، یکشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۱۲.

۳. ستوان‌ها: محمدزاده و قبادی پس از مدت کوتاهی از ایران خارج شده و به اتحاد شوروی می‌روند.

مورد نظر بوده و شاید به قول خودشان با شکسته شدن رأی دادگاه نظامی در دیوان کشور، دیگر مجوزی برای باقی ماندن آنها در زندان نبوده است...<sup>۱</sup> و دکتر بقایی در مجلس شورای ملی مدعی «تبانی بین تمام دستگاهها برای تهیه زمینه فرار» شد.<sup>۲</sup>

در پی فرار رهبران زندانی حزب توده، ستاد ارتش و شهربانی با اقدامات گسترده‌ای کوشیدند آنان و عوامل فرارشان را بیابد. روز یکشنبه ۲۶ آذرماه از سوی اداره کل شهربانی، عکس کلیه فراریان را تکثیر و به کلیه شهربانیهای کشور و پاسگاههای ژاندارمری ارسال نمود<sup>۳</sup> و مأمورین کارآگاهی شهربانی برای پیدا کردن فروشنده و خریدار لباس نظامی به لباس فروشی‌ها و محل‌های مخصوص فروش آن می‌روند و به پرس‌وجو می‌پردازند.<sup>۴</sup> در ضمن ۱۱ نفر از مسئولان زندان قصر، سرهنگ پارسا رئیس اداره زندان شهربانی، سرگرد کاووسی رئیس اداره زندان مرکزی، سرپاسبان یکم آغاسی معاون داخله زندان، سرپاسبان مطهری معاون کشیک، دلشاد و جمشیدی پاسبانان در خروجی زندان و... بازداشت شده و مورد بازجویی قرار می‌گیرند.<sup>۵</sup> و همزمان براساس دستور ستاد ارتش، کلیه واحدهای ارتشی آغاز به شمارش سلاح نمودند، شاید به این وسیله بتوانند به چگونگی اسلحه مزبور که در دست گروه فرار بوده پی ببرند.<sup>۶</sup>

۱. «نقشه فرار ده نفر از زندانیان...»، اطلاعات، سال بیست و پنجم، شماره ۷۳۹۹، یکشنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۹، مذاکرات مجلس شورای ملی.

۳. «ارسال عکس فراریان به شهربانیها»، کیهان، سال نهم، شماره ۲۳۰۰، دوشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۸.

۴. «پس از فرار سران حزب توده»، کیهان، سال نهم، شماره ۲۳۰۱، سه‌شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۸.

۵. «بازده نفر بازداشت شدگان»، اطلاعات، سال بیست و پنجم، شماره ۷۴۰۰، دوشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۲۹، ص ۸.

۶. کیهان، سال نهم، شماره ۲۳۰۰، دوشنبه ۲۷ آذرماه، ص ۸.

اما این اقدامات به نتیجه‌ای نرسید و نشانی از فراریان و گروه فرار به دست نیامد. ولی فرار زندانیان موجب توجه بیشتر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی به فعالیت و عقاید افسران و درجه‌داران شهربانی شد. در نتیجه ستوان دوم جلیل توتونچی از افسران اداره دادرسی شهربانی و از دوستان ستوان یکم قبادی بازداشت و در بازرسی و تفتیش منزل وی «مقدار زیادی اسناد و مدارک سری شهربانی کشف و همچنین قرائنی به دست آمد که همکاری او را با تشکیلات سری حزب توده تأیید می‌کند»<sup>۱</sup>

### کشف شدن دبیرخانه و بایگانی سازمان افسران

در سال ۱۳۳۰، هیئت اجراییه سازمان افسران، در صدد ایجاد دبیرخانه و بایگانی سازمان برآمد. تا این زمان اسناد و مدارک شعبه‌های تشکیلات سازمان، به صورت پراکنده در منازل برخی از اعضای هیئت اجراییه مانند سرهنگ مبشری و ستوان یکم محقق‌زاده دوانی نگهداری می‌شد. به منظور ایجاد بایگانی و دبیرخانه سازمان، ستوان یکم خلبان حسین مرزوان خانه‌ای دو طبقه در خیابان اسکندری، چهارراه مرتضوی در سلسبیل اجاره کرد و به منظور پوشش امنیتی آن، بانو ایران و فرزند خردسالش (خانواده ستوان عطاالله زندیان که در آذربایجان تیرباران شده بود) در آن ساکن شدند. اسناد و مدارک تشکیلاتی، دو دستگاه ماشین استنسیل، کتابخانه و... سازمان افسران به آنجا منتقل و یکی از اتاق‌های طبقه اول ساختمان را میز و صندلی گذاشته و به محل تشکیل جلسات هیئت اجراییه سازمان اختصاص دادند.<sup>۲</sup>

در روز ۲۶ بهمن‌ماه ۱۳۳۰، مأموران اداره آگاهی شهربانی در جست و

۱. «یک افسر شهربانی به اتمام همکاری با سازمان مخفی حزب توده دستگیر شد»، کیهان، سال نهم، شماره ۲۳۱۰، شنبه ۹ دی‌ماه ۱۳۲۹، ص ۸.

۲. مصاحبه‌نگارنده با خسرو پوری؛ «یک سازمان مخفی که چند نفر...»، اطلاعات، سال بیست و ششم، شماره ۷۷۵۳، چهارشنبه ۱۸ اسفندماه ۱۳۳۰، ص ۸.



جوی یک قطعه فرش دزدیده شده که ستوان حسین مرزوان خریده بود، خانه وی را بازرسی می‌کنند. در جریان بازرسی، با مشاهده عکس‌های لنین، استالین و دکتر ارانی که به دیوار یکی از اتاق‌های نصب شده بود، رکن دوم ستاد ارتش را مطلع می‌کنند. در هیئت اعزامی رکن ۲، سرهنگ فضل‌الهی و سروان پولاد دژ از اعضای سازمان افسران نیز حضور داشتند. در بازرسی و تفتیش منزل مرزوان علاوه بر اسناد و مدارک تشکیلاتی و دفترچه اسامی اعضاء سازمان که به رمز بود، دو دستگاه ماشین استنسیل و در حدود ۵۰۰ جلد کتاب، کارت عضویت توران دخت پوریا در سازمان جوانان حزب توده و تعدادی نامه از ستوان‌های هوایی محمد هنریار و آقاخان پوردولت به حسین مرزوان و... را کشف و به دادرسی ارتش منتقل کردند<sup>۱</sup> و بلافاصله دستور بازداشت ستوان مرزوان را صادر می‌نمایند. با بررسی و ارزیابی اسناد و مدارک به دست آمده، بازجویی از مرزوان و تحقیق پیرامون روابط وی با دیگر افسران نیروی هوایی، سروان آقاخان پور دولت، ستوان یکم‌های هوایی خسرو پوریا، محمد هنریار، حسن آل‌بویه، یدالله عییش‌زاده، استوار زمان‌زاده و... که از گذشته نیز مورد سوءظن رکن ۲ ستاد ارتش بودند، بازداشت شده و تحت بازجویی قرار گرفتند. سروان اسماعیل محقق‌زاده و ستوان یکم منوچهر مختاری نیز تحت تعقیب قرار می‌گیرند ولی موفق به فرار شده و مخفی می‌شوند.<sup>۲</sup>

کشف دبیرخانه و بایگانی سازمان افسران و دستگیری‌های متعاقب آن در نیروی هوایی، علاوه برآنکه نفوذ حزب توده در نیروی هوایی را مشخص کرد، موجی از تبلیغات ضدتوده‌ای در مطبوعات و محافل جناح راست کشور را پدید آورد. آنان کوشیدند با آب و تاب دادن فراوان به ماجرای کشف خانه مرزوان، از آن بر علیه دولت دکتر مصدق استفاده کنند

---

۱. همان.

۲. همان.

و شرایط کشور را برای فعالیت جاسوسان شوروی مطلوب جلوه دهند. روزنامه «رمز ترقی» نوشت: «در مورد کشف شبکه جاسوسی حزب توده در نیروی هوایی و دستگیری عده‌ای از افسران و درجه‌داران، نکته جالب توجه این است که این عده از افسران نیروی هوایی از ۹ ماه قبل در خانه فرهنگ شوروی رفت و آمد داشته و اغلب با لباس غیرنظامی در جشن‌ها و شب‌نشینی‌ها و تماشای فیلم‌های متعدد که در این لانه فساد و جاسوسی به معرض نمایش گذاشته می‌شود شرکت داشته... و نام عموم آنها در دفتر شطرنج خانه فرهنگ شوروی ثبت است».<sup>۱</sup> روزنامه دیگری صراحتاً آنها را جاسوس اتحاد شوروی معرفی کرد و برای بیان نمونه‌ای از فعالیت‌های جاسوسی آنان نوشت «قبل از اینکه مستشاران امریکائی به مرزهای شوروی برسند، شوروی‌ها توسط اینها از حرکتشان اطلاع داشتند».<sup>۲</sup> و به تدریج علاوه بر جاسوسی، آنان را به خرابکاری و فعالیت براندازی متهم نمودند «قرار بود در یک روز تمام اسلحه‌خانه‌ها به دست گروهبانان ارتش منفجر شود».<sup>۳</sup> و مجله تهران مصورگامی فراتر نهاد و برای تحریک احساسات عمومی نوشت «آیا سقوط پی‌درپی هواپیماهای نظامی در یکسال اخیر، با فعالیت‌های خائنانه این افراد بستگی دارد، آیا این عناصر گمراه سیه‌روز، کار جنایت و تبهکاری را به آنجا کشانده‌اند که حتی جمعی از خلبانان رشید و فداکار و بیگناه را با آن وضع فجیع به قتل رسانده و خانواده‌های دردمند و بینوای آنها را بی‌سرپرست نموده‌اند یا آنکه تنها به همان جاسوسی و خیانت به وطن و نوکری اجانب اکتفا کرده‌اند».<sup>۴</sup>

۱. خواندنیها، سال ۱۲، شماره ۵۴، سه‌شنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۳۰، ص ۴.

۲. «کشف یکی از مهمترین شبکه‌های حزب توده»، خواندنیها، سال ۱۲، شماره ۵۲، سه‌شنبه ۶ اسفندماه ۱۳۳۰، ص ۳.

۳. همان.

۴. «جاسوسی و خرابکاری: کشف یک شبکه مهم جاسوسی در نیروی هوایی»، نیوان مصور، شماره ۴۴۶، اسفندماه ۱۳۳۰، ص ۲۲.

ستاد ارتش برای خاتمه بخشیدن به شایعات و اخباری از این دست و توضیح مسأله برای افکار عمومی، اعلامیه زیر را منتشر ساخت:

«از مدتی قبل مقامات ارتشی نسبت به عملیات چند نفر افسران هوایی مظنون و اعمال آنها را تحت نظر و مراقبت کامل قرار داده بود تا اینکه اخیراً در منزل یکی از افسران نیروی هوایی به نام ستوان یکم حسین مرزوان، مدارک و اسنادی به دست مأمورین انتظامی افتاد که ارتباط بعضی عناصر حزب منحل را با آنها آشکار می ساخت. لذا افسران و درجه داران مزبور برای روشن شدن موضوع، بازداشت و مورد تعقیب قرار گرفتند و اسناد مکشوفه اکنون با دقت تمام مورد بررسی مأمورین قضایی و انتظامی ارتش می باشد.

ستاد ارتش از انتشار نام و تعداد دستگیرشدگان به علت اینکه ممکن است ضمن تحقیقات از عده ای رفع سوء ظن شده و گناهکار تشخیص [داده] نشوند، معذور است. آنچه مسلم است کمیته مزبور به هیچوجه نتوانسته است در مقاصد سوء احتمالی خود موفقیتی به دست بیاورد. البته پس از خاتمه تحقیقات و روشن شدن موضوع مراتب برای استحضار عامه منتشر می شود.

بغیر از مفاد بالا هرگونه خبر و شایعه ای در این باره انتشار یابد مورد تأیید ستاد ارتش نیست.»<sup>۱</sup>

و رئیس رکن ۲ ستاد ارتش در مورد خانه مزروان به خبرنگاران اعلام کرد که «این شبکه یکی از بایگانیهای سازمان جوانان حزب سابق توده بوده است...»<sup>۲</sup>

پس از بازجوئی و تحقیقات دادرسی و رکن ۲ ارتش، ستوان یکم های هوایی حسین مرزوان، خسرو پوریا و محمد هنریار در زندان فلک الافلاک

۱. اطلاعات، سال بیست و ششم، شماره ۷۷۵۳، چهارشنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۳۰، ص ۸.

۲. همان.

خرم‌آباد محبوس شده و دیگر دستگیرشدگان آزاد می‌شوند. محاکمه این سه نفر در آبان ماه ۱۳۳۲ در دادگاه عادی شماره یک دادرسی ارتش آغاز شد و در حالی که برخی جناح‌های سیاسی خواستار اعدام آنها بودند،<sup>۱</sup> براساس رأی دادگاه حسین مرزوان به ۳ سال زندان، خسرو پوریا و محمد هنریار هر یک به ۲ سال زندان محکوم و همگی از نیروی هوایی اخراج شدند.<sup>۲</sup> و در ۱۹ تیرماه ۱۳۳۳ به همراه اولین گروه از زندانیان توده‌ایی به جزیره خارک تبعید شدند و در پی کشف سازمان افسران در شهریور ماه ۱۳۳۳ این سه نفر را به تهران بازگرداندند و پس از محاکمه مجدد، حسین مرزوان محکوم به اعدام شد که در مردادماه ۱۳۳۴ تیرباران می‌شود، خسرو پوریا نیز محکوم به اعدام شد ولی با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم گردید و محمد هنریار نیز به حبس ابد محکوم می‌شود.

کشف دبیرخانه و بایگانی تشکیلات، ضربه جدی بر سازمان افسران بود، از یکسو مدارک مشخص و انکارناپذیری از فعالیت حزب توده در نیروهای مسلح به‌ویژه نیروی هوایی در اختیار مأموران رکن ۲ ستاد ارتش قرار گرفت و از سوی دیگر منجر به دستگیری و متواری شدن برخی اعضاء سازمان شد. همچنین به دلیل از دست رفتن دفترچه رمز اسامی اعضاء، فعالیت سازمان در برخی عرصه‌ها تا مدتی مختل گردید. در گزارش شعبه اطلاعات به تشکیلات سازمان در این مورد آمده: «پیش‌آمد بهمین ۳۰ و گیر افتادن فرهنگ اطلاعاتی [دفترچه اسامی اعضاء] سازمان موجب شد که فعالیت اطلاعاتی رققاً تا مدتی، محدود بماند. در این مدت، به‌جز کسب اطلاع درباره جریان روز، فعالیت سازمان در زمینه‌های دیگر اطلاعاتی تقریباً متوقف ماند.»<sup>۳</sup>

۱. «محاکمه سه افسر کمونیست»، تهران، صورا، شماره ۵۲۴، جمعه ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۳۲، ص ۲۴.

۲. خواندنیها، سال چهاردهم، شماره ۲۰، سه‌شنبه ۱۰ آذر ماه ۱۳۳۲، ص ۲.

۳. گزارش شعبه اطلاعات به تشکیلات سازمان افسران حزب توده، به نقل از کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۱۷۸.

کشف دبیرخانه و بایگانی تشکیلات، موجب اعتراض جدی برخی از اعضاء سازمان نسبت به عدم رعایت اصول پنهانکاری شد. غلامحسین بقیعی می‌نویسد: «... بهنیا آن را پیراهن عثمان ساخت و حوزه را تحت فشار گذاشت که با مرکز تماس بگیرد و علت اصلی آن پیشامد را بپرسد. بهنیا می‌گفت این دسته گل به این بزرگی تصادفاً به آب نرفته، دستگاه از سهل‌انگاری و ولنگاری رفقا استفاده کرده و مدتی زاغ سیاهشو چوب زده و با تمهید قبلی به آنجا دست یافته، علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.»<sup>۱</sup>

در همان زمان پیک تشکیلات افسران کرمان که حامل برگه‌های امتحانی افسران کرمان بود دستگیر شد و برگه‌های امتحانی را به کرمان بازگرداندند تا با خط کلیه افسران لشکر ۷ کرمان مطابقت دهند و صاحبان آن را شناسایی کنند. افسران تشکیلات کرمان با مهارت و سرعت زیاد برگه‌ها را تعویض کرده و خطر را برطرف می‌نمایند. و به منظور اقدام احتیاطی، شعبه تشکیلات سازمان به اعضاء تشکیلات کرمان اعلام کرد که عدد ۱۱۱۱ را با شماره سازمانی خود جمع کنند و حاصل آن، شماره جدید هر عضو خواهد بود.<sup>۲</sup>

به دست آمدن برگه‌های امتحانی افسران نیز دلیل جدی و گویایی از فعالیت حزب توده در بین افسران لشکر ۷ کرمان بود و مأموران رکن ۲ ستاد ارتش با توجه به فرار رهبری حزب توده از زندان در ۲۴ آذر ۱۳۲۹، کشف دبیرخانه سازمان افسران در بهمن ماه ۱۳۳۰ و اینک دستگیری پیک تشکیلات کرمان و فعالیت‌های تبلیغاتی در محیط‌های نظامی به فعالیت همه‌جانبه حزب توده در ارتش و نیروهای انتظامی آگاه شده و با هشیاری بیشتری به پیگیری و مراقبت فعالیت این حزب می‌پرداختند.

۱. غلامحسین بقیعی، انگیزه، ص ۲۶۹.

۲. همان.

### سازمان افسران در دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت

در اسفندماه ۱۳۲۹، با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت توسط مجلسین شورای ملی و سنا، مبارزه برای تحقق حاکمیت ملی و دموکراسی به مرحله جدیدی ارتقا یافت. و با رأی تمایل مجلس شورای ملی در ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰، دکتر محمد مصدق ریاست دولت را برعهده گرفت. در برابر این تحول، رهبری حزب توده نهضت ملی شدن صنعت نفت را عمدتاً براساس تضاد امپریالیست‌های امریکایی و انگلیسی ارزیابی کرده و نتیجه می‌گرفت که قانون ملی شدن صنعت نفت و نهضت متعاقب آن اقدامی در حمایت از امپریالیسم امریکا بر علیه امپریالیسم انگلستان است که دکتر محمد مصدق آن را در ایران رهبری و هدایت می‌نماید. به واقع رهبری حزب توده، هیئت حاکمه کشور را به دو جناح تحت رهبری شاه (با حمایت انگلیسی‌ها) و دکتر مصدق (با حمایت امریکائی‌ها) تقسیم می‌نمود و تأکید می‌کرد که هیچکدام از این دو جناح نه تنها در جهت منافع ملی و روند دموکراتیزه کردن جامعه ایران گام برنمی‌دارند که «توطئه جدیدی در کشورها در حال تکوین است و قرار است به اشاره امپریالیسم، کودتایی به نفع یکی از دو جناح هیئت حاکمه برپا شود و هدف اساسی آن ایجاد ترور و وحشت بیشتر و سرکوبی نهضت ملی و دموکراتیک ایران و حبس و زجر عناصر مبارز و دموکراتیک می‌باشد»<sup>۱</sup>. رهبری حزب توده براساس چنین ارزیابی و نگرشی با اتخاذ سیاست فرقه‌گرایانه (سکتاریستی) و چپ‌روانه، در برابر شعار ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران که مورد حمایت و پشتیبانی اқشار و گروه‌های جامعه و محور اتحاد کلیه نیروهای ضداستعماری و استقلال‌طلب و ترقیخواه بود، شعار غیر اصولی و نادرست «لغو قرارداد نفت جنوب و ملی کردن آن» را مطرح کرده و به رویارویی با دکتر محمد

۱. خواندنیها، سال دوازدهم، شماره ۴۴، سه‌شنبه هشتم بهمن ماه ۱۳۳۰، ص ۴.

مصدق و جبهه ملی پرداخت. رهبری حزب توده نمی‌خواست این نکته را دریابد که ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران، به خودی خود الغاء قرارداد ۱۹۳۳ را دربردارد و به علت آنکه بر مبنای حق حاکمیت ایران استوار است، خدشه‌ناپذیر می‌باشد؛ در حالی که الغاء یک جانبه قرارداد ۱۹۳۳، دولت ایران را به دعوی حقوقی می‌کشاند که در مراجع صلاحیتدار بین‌المللی - آنهم در سال‌های آغازین جنگ سرد - از حمایتی برخوردار نمی‌شد. در ضمن محدود ساختن قانون ملی کردن صنعت نفت به یکی از مناطق کشور، سیاستی غیرمللی و نادرست بود که می‌توانست منجر به تسلط کشور دیگری بر سایر حوزه‌های نفتی (مانند مناطق شمالی یا سیستان و...) شود. سیاست نادرست رهبری حزب توده و اقدامات چپ‌روانه و فرقه‌گرایانه آنان نه تنها منجر به منفرد شدن حزب توده در بین نیروهای ترقیخواه کشور شد، که از سوی آنان حتی به سازش و پیوستگی با سیاست انگلستان در ایران نیز متهم گردید.

سازمان افسران که در جریان ائتلاف سال ۱۳۲۷ رهبری سیاسی حزب توده را پذیرفته بود، در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز، همانند دیگر مقاطع، از سیاست و خط و مشی رهبری حزب پیروی نمود.<sup>۱</sup> با چنین نگرشی سازمان افسران با نهضت ملی برخورد نمود و در جریان تحولات و رخدادهای آن به تدریج و همپای حزب توده موضعش تغییر یافت.

### قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و نقش سازمان افسران

در روز ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱، دکتر محمد مصدق در اعتراض به کارشکنی‌های شاه و دربار و همچنین اختلاف بر سر تعیین پُست وزارت

۱. برای نمونه‌هایی از برخورد اعضای سازمان افسران با دولت دکتر مصدق ر.ک به: غلامحسین بقیمی، انگیزه، ص ۲۷۱.

جنگ از نخست‌وزیری استعفا داد و شاه احمد قوام را به نخست‌وزیری برگزید. مجلس شورای ملی نیز در غیاب نمایندگان طرفدار دکتر مصدق به وی رأی تمایل داد. و فرمانداری نظامی تهران با صدور اعلامیه شدیدالحنی، نظامیان را با تانک و زرهپوش روانه خیابان‌ها نمود و مجلس شورای ملی را محاصره کردند. اعلامیه غلاظ و شداد احمد قوام در روز ۲۷ تیرماه و تهدیدهای وی مبنی بر تشکیل محاکم انقلابی و اعدام روزی صد تبه‌کار «وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلاص نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند...»، زنگ خطر نابودی نهضت ملی شدن صنعت نفت را به صدا درآورد. در مقابله با قوام، شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های طرفدار دکتر مصدق و نهضت ملی روز ۳۰ تیرماه را روز اعتراض به شاه و دربار و تعطیل عمومی اعلام کردند. و با صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعدد مردم را به شرکت در آن فرا خواندند. آیت‌الله کاشانی و نمایندگان طرفدار نهضت ملی در مجلس شورای ملی با صدور اعلامیه‌های جداگانه‌ایی از سربازان و افسران ارتش و نیروی انتظامی درخواست کردند از تیراندازی و کشتار مردم خودداری نمایند.<sup>۱</sup>

۱. آیت‌الله کاشانی از «سربازان وطن و افسران عزیز» می‌خواست «... بگذارید خدا و ملت از شما خشنود باشد زیرا امروز جنگ و جدال بین دو صف حق و باطل است. اعمال احمد قوام که تنها برای جاه‌طلبی و برگشت انگلیسیها و استعمار است، نباید به‌دست شما انجام و شما را در مقابل خونها و حق‌کشیها مسئول کند. بیایید برای رضای خدا و رسول به‌روی برادران خود سرنیزه و گلوله نکشید و بیدار باشید که این گلوله‌ها باید بر روی دشمنان ملت و وطن کشیده شود... آیا وجدان شما راضی می‌شود که نان ملت را خورده و تیغ به‌روی آنها بکشید؟...» (شاهد، شماره ۷۰۹، ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱، به نقل از: م. دهنوی، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانیها و پیامهای آیت‌الله کاشانی، ج ۲، تهران، چاپخس، ۱۳۶۱، صص ۲۱۷-۲۱۶).

و در اعلامیه نمایندگان طرفدار نهضت ملی، آمده: «... در این موقع تاریخی مواظب باشید که خدای ناکرده عملیات شما به نفع مسلم بیگانگان تمام نشود...»

«اعلامیه نمایندگان ملت...»، شاهد، سال سوم، شماره ۷۱۰، دوشنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱، ص ۴.



روز ۳۰ تیرماه در حالی که نیروهای نظامی و انتظامی و بالطبع بخشی از اعضاء سازمان افسران حزب توده، به دستور فرمانداری نظامی برای مقابله با مردم در میدان‌ها و خیابان‌های شهر مستقر شده بودند، با تظاهرات آرام مردم آغاز شد. مردم از بامداد روز ۳۰ تیرماه در حالی که در دسته‌ها و گروه‌های مختلف به حمایت از دکتر مصدق شعار می‌دادند، به سمت میدان بهارستان به حرکت درآمدند. تیراندازی در ساعت ۷ بامداد در بازار تهران آغاز شد و به تدریج به دیگر نقاط به‌ویژه خیابان‌های فردوسی، سعدی و شاه‌آباد گسترش یافت و مردم به مقابله با مأموران نظامی و انتظامی برخاستند. در نهایت، شاه که از سقوط خود به هراس افتاده بود، احمد قوام را از نخست‌وزیری برکنار و دکتر محمد مصدق از سوی مجلس شورای ملی، مجدداً به نخست‌وزیری برگزیده شد.

قیام ۳۰ تیر با کشته و زخمی شدن عده کثیری از مردم به هدف خود رسید؛ اما کارنامه و عملکرد سازمان افسران در این قیام نامشخص و مبهم است. اعضای این سازمان که می‌توانستند در جهت دلسر کردن آن بخش از نیروهای نظامی و انتظامی که میان اطاعت از دستور کشتار و سرپیچی مردّد بودند، نقش مؤثری داشته باشند، چه کردند؟ نمی‌دانیم! در اسناد و مدارک و تحقیقات منتشر شده از سوی حزب توده و دیگران، جز اقدام متهورانه سرهنگ حبیب‌الله پرمان که از تانک بیرون آمد، سردوشی‌های شاهنشاهی را کند و به مردم پیوست، نشانه دیگری از اقدام سازمان افسران در دست نیست. این ابهام و تعجب آن‌گاه بیشتر می‌شود که در می‌یابیم سرهنگ پرمان در ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ عضو سازمان افسران حزب توده نبوده است. سرهنگ پرمان طی نامه‌ای به مرتضی زربخت توضیح می‌دهد: «جریان ۳۰ تیر تا آنجا که من یادم است، حزب توده و جبهه ملی قرار بود تظاهرات بکنند. علوی مقدم فرماندار نظامی بود. انتظامات توپخانه به من محول شده بود. در آن زمان من جزو حزب نبودم.

واحد هائی از ارتش مأمور فرمانداری بودند. تا آنجا که یادم هست، یک دسته تانک سبک اراپه در اختیار من گذاشته شده بود. من روی تانک رفته نطقی کرده با مردم به مسالمت و مهربانی حرف زدم و در نتیجه هیچ برخوردی پیش نیامد. بعد از این جریان اعضاء حزب مرتباً با من تماس گرفته و بالاخره مرا به حزب داخل کردند. حبیب‌الله پرم‌ان<sup>۱</sup> علت بی‌تحریکی سازمان افسران در قیام ملی ۳۰ تیر چه بود؟ در پاسخ این پرسش می‌توان بر دو عامل عمده تأکید کرد:

عامل نخست به موضع رهبری حزب توده در قبال نخست‌وزیری دکتر مصدق باز می‌گردد. چنان‌که گفته شد آنان دکتر مصدق را نماینده و حامی «امپریالیسم امریکا» می‌شناختند نه زمامداری ملی و ترقیخواه. رهبری حزب توده مدعی بود: «... دکتر مصدق در خطوط کلی از روش اسلاف خود افرادی از قبیل ساعد و رزم‌آرا پیروی کرده و اگر احیاناً هم تغییری در برخی وجوه داده شده برای تشدید سیاست ضد ملی سابق بوده است...»<sup>۲</sup>

و در واکنش به استعفای دکتر مصدق اظهار نظر کردند «... نتیجه زدو خورد جناحین هیئت حاکمه ایران هر چه باشد، پس از چهارده ماه یکبار دیگر این حقیقت با کمال وضوح به ثبوت رسیده است که هیچ‌یک از جناحین و شخصیت‌های هیئت حاکمه ایران دوست ملت و هوادار او نیستند. اینها همه دشمن ملت و مدافع ماشین بهره‌کشی هیئت حاکمه

۱. رک به بخش ضمايم؛ با سباس از آقای مرتضی زربخت که فتوکپی دستخط سرهنگ پرم‌ان را در اختيارم نهادند؛ لازم به ذکر است که برای نخستین بار رحیم نامور از اعضاء رهبری حزب توده به توده‌ای نبودن سرهنگ پرم‌ان در روز ۳۰ تیر اشاره کرده و نوشت «این افسر آزادخواه و میهن‌پرست، سرانجام راه واقعی خود را یافت و پس از این واقعه [۳۰ تیر] به عضویت سازمان افسران حزب توده درآمد.» یادنامه شهیدان، ص ۲۳.

۲. «سرمقاله»، به سوی آینده، شماره ۴۴۸، چهارم دی‌ماه ۱۳۳۰، به نقل از گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۷۲.

ایرانند...»<sup>۱</sup> به این ترتیب سازمان افسران چگونه می‌توانست اعضای خویش را برای حمایت از «دشمن ملت و مدافع بهره‌کشی» بسیج نماید و با مخاطره روبه‌رو سازد؟ اعلامیه ۲۹ تیرماه «جمعیت ملی مبارزه با استعمار» به‌رغم آنکه نشانه‌هایی از تغییر خط و مشی حزب توده را با خود داشت اما همچنان دکتر مصدق را «نماینده امپریالیسم امریکا» و کسی که «در عمل برای جلوگیری از هرگونه پیروزی نمایندگان واقعاً ملی با دربار و عمال امپریالیسم انگلیس سازش کرد»<sup>۲</sup> معرفی می‌نمود. رهبری حزب توده با چنین نگرش و ارزیابی نمی‌توانست رهنمود و فراخوانی برای مشارکت توده‌ایی‌ها در ۳۰ تیر داشته باشد و به پیروی از آنان، هیئت اجراییه سازمان افسران نیز فاقد رهنمود و طرح و برنامه‌ای نسبت به رخدادهای این روز بود. به‌رغم فقدان رهنمود، آیا اعضای سازمان افسران به ابتکار شخصی و در محدوده اختیاراتشان نمی‌توانستند از یورش نظامیان به مردم و کشتار آنان جلوگیری کنند؟ پاسخ این پرسش ما را به یکی از بزرگترین نقایص این سازمان و عامل دوم بی‌تحركی آن در ۳۰ تیر می‌رساند. به‌واقع تأثیر مکانیسم در هم تنیده بوروکراسی و انضباط حزبی و انضباط نظامی بود که جلوی ابتکار و خلاقیت فردی را تا حدودی فراوانی سد کرد و موجب بی‌تحركی آنان گردید. این نقصه بار دیگر در جریان کشف سازمان افسران، بروز کرد و خود را نشان داد که به آن خواهیم پرداخت. بدین ترتیب، کارنامه نشر یافته و به‌دست آمده سازمان افسران در قیام ملی ۳۰ تیر سخت خالی می‌نماید و ضعف و نقصان جدی در تاریخچه آن را نشان می‌دهد.

۱. «سرمقاله»، دژ (به جای به‌سوی آینده)، ۲۷ تیرماه ۱۳۳۱، به نقل از گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۷۳.

۲. «سرمقاله»، دژ (به‌جای به‌سوی آینده) ۲۹ تیر ماه ۱۳۳۱، به نقل از گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۷۳.

### سازمان افسران و مقابله با توطئه‌های کودتایی

پس از قیام ۳۰ تیر و بازگشت دکتر مصدق به قدرت، مخالفان نهضت ملی و بخشی از یاران و متحدان دکتر مصدق که اینک از موضع و پافشاری وی در مذاکرات نفت ناراضی بوده و آن را نادرست می‌دانستند، به تدارک توطئه‌هایی برای سرنگونی دکتر مصدق اقدام کردند. نیروهای نظامی و انتظامی از کانون‌های عمده فعالیت توطئه‌گران بود؛ زیرا تجربه ۳۰ تیر به روشنی نشان داد که حرکت قانونی و مسالمت‌آمیز (به‌رغم کشتارهای ۳۰ تیر) با مقابله جدی مردم روبه‌رو خواهد شد و امکان تحقق آن اندک است. در این زمان ترکیب سیاسی ارتش اینگونه بود:

۱. سازمان افسران حزب توده، سازمان یافته‌ترین جریان درون ارتش بود و با قدرت هر چه تمامتر مخفیانه فعالیت می‌کرد؛
۲. افسرانی که متأثر از فضای سیاسی نهضت ملی شدن صنعت نفت بودند و یا گرایش حمایت از دکتر مصدق و جبهه ملی فعالیت می‌کردند. و تشکیلات محدود و کوچکی به نام سازمان افسران ناسیونالیست داشتند؛<sup>۱</sup>
۳. معدود افسران ارتش که با آیت‌الله کاشانی و دکتر بقایی در تماس بودند؛<sup>۲</sup>
۴. افسران متمایل به دربار و شخص شاه که تحت هدایت و رهبری سرلشکر زاهدی و دیگر امراء ارتش قرار داشتند؛

---

۱. سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی از این سازمان با عنوان «سازمان گارد ملی» یاد می‌کند (ر.ک به: کهنه‌سرباز تیران، رسا، ۱۳۶۶، صص ۲۳۹-۲۱۴؛ و سرهنگ غلامرضا نجابتی از آن به عنوان «سازمان افسران ناسیونالیست». (ر.ک به: جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، تیران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵، ص ۲۳۳.

۲. محمدعلی عموی، دُود زمانه، ص ۶۷؛ برخی مقاله‌ها و مطالب روزنامه شاهد نیز این مطلب را تأیید می‌کند. برای نمونه ر.ک به: روزنامه شاهد، سال سوم، شماره‌های ۷۳۶ الی ۷۶۹، ۲ الی ۱۵ مهرماه ۱۳۳۱؛ شماره ۷۷۶، ۲۳ مهرماه ۱۳۳۱ و ...

۵. بخش قابل توجهی از افسران که موضع سیاسی خاصی نداشتند و تابع شرایط روز بودند؛ و

۶. گروهی که نه علاقه‌ای به شاه داشتند نه به دکتر مصدق، اما از کاهش روزافزون اقتدار و اُبَهِت ارتش خشمگین بودند.<sup>۱</sup>

از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توطئه‌های متعددی برای سقوط دولت ملی دکتر مصدق تدارک دیده شد و به علت اینکه تکیه‌گاه و نیروی اجرایی این توطئه‌ها نیروهای مسلح کشور بودند، سازمان افسران حزب توده‌ای این امکان را می‌یافت که در شناسایی، کشف و افشای این توطئه‌ها نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. سازمان افسران با آگاهی از تلاش مخالفان نهضت ملی برای ایجاد گروه‌بندی‌های توطئه‌گرانه و هدایت آنها در ارتش به اقدامات معینی دست زد. در گزارش شعبه اطلاعات سازمان افسران در این باره می‌خوانیم:

«... کسب اطلاعات از دسته‌بندی‌هایی که پس از ۳۰ تیر سال ۳۱ در فرهنگ [ارتش] به‌وجود آمده بود مورد توجه خاص هیئت دبیران بوده و با اعزام افرادی به این دارودسته‌ها موفق شدیم اطلاعات قابل توجهی از طرز کار و ارتباطات و بعضی از افراد آنها به‌دست آوریم... گرچه اطلاعاتی که از دارودسته‌های فرهنگی [ارتشی] کسب شده قابل توجه می‌باشد ولی به هیچ وجه کافی نیست [زیرا] هنوز موفق نشدیم رفقایی را به‌مرکز رهبری آنها بفرستیم و اینکه چه اشخاصی آنها را رهبری می‌نمایند کسب خبر نمائیم...»<sup>۲</sup>

پس از ۳۰ تیر، نخستین گروه توطئه‌گر به رهبری علیرضا پهلوی،

۱. غلامحسین بقعی، انگیزه، ص ۲۸۲.

۲. گزارش شعبه اطلاعات به تشکیلات سازمان افسران حزب توده، به نقل از کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۱۸۳ و ۱۷۸.

سرلشکر زاهدی و برادران رشیدیان، شروع به فعالیت کردند. اینان با آگاهی از نارضایتی برخی از افراد جبهه ملی (مانند بقایی، مکی و حائری‌زاده)، کوشیدند آنان را به سوی خویش جذب کنند. در ملاقات‌های بین آنها، پس از تعهد جناح دربار به واگذاری برخی از وزارتخانه‌ها به جناح ناراضی جبهه ملی که از دکتر مصدق فاصله گرفته بودند، فعالیت هماهنگی این دو جناح آغاز شد و به تدارک توطئه کودتایی پرداختند.

همزمان با تدارکات توطئه‌گران، اعضای سازمان افسران حزب توده با توجه به پراکندگی گسترده‌شان در قسمت‌های مختلف ارتش، از توطئه آگاه شده و اطلاعات به دست آمده را در اختیار رهبری حزب توده قرار دادند. و در روز ۲۶ شهریور ماه طی نامه سرگشاده‌ایی به دکتر مصدق اعلام کردند «توطئه‌ای به صورت یک کودتای نظامی علیه استقلال و حاکمیت ملی ایران در شرف تکوین است که بیگمان شما نیز بر آن وقوف دارید. ملت ایران می‌خواهد بدانند در برابر توطئه خطرناکی که هدفی به جز لگدمال کردن پیروزیهای نهضت ملی ایران ندارد، چه نقشه‌ای از جانب شما به عنوان رئیس دولت طرح شده است و چه راهی برای خنثی کردن آن در پیش گرفته‌اید.» و «حزب توده ایران اسرار کودتای آینده را فاش، عاملین آن را می‌شناساند و راه جلوگیری از آن را نشان می‌دهد.»<sup>۱</sup> و با استفاده از اخبار و اطلاعات ارائه شده از سوی سازمان افسران، هشدار دادند:

«طبق اطلاع موثق در روز ۱۲ شهریور به گردان تندربولت و هاریکن و هارورد در تیپ شکاری دستور داده‌اند که هواپیماها را به فوریت برای یک مأموریت (۴) آماده نمایند و ماتریل لازم را بسته‌بندی کنند. پرسنل

۱. «نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به نخست‌وزیر»، رزم‌آوران، یکشنبه ۱۶ شهریورماه ۱۳۳۱، ص ۱ و ۶.

این هواپیماها نیز روز بعد تعیین و ۶ تندر بولت و ۴ هاریکن حاضر به عمل گردیده و از جهت تیراندازی و بمب آماده شده و از تهران به سوی یکی از شهرستانها پرواز کرده‌اند. نظر به اینکه هیچ حادثه فوق‌العاده‌ای در کشور رخ نداده که موجب این عمل باشد بدون تردید هواپیماهای فوق از تهران خارج شده‌اند تا در روز کودتا از دسترس مردم خارج باشند و بتوانند بر فراز تهران پرواز نموده مردم قهرمان تهران را بمباران کنند. ما این توطئه خونخوارانه ضدملی را که به کارگردانی دربار به عمل می‌آید به این وسیله فاش می‌کنیم.» و برای خنثی ساختن کودتا پیشنهاد می‌کردند اگر در این توطئه شریک نیست باید فوراً فرمانده نیروی هوایی را دستگیر کند و به کلیه شهرستانها دستور دهد که پرسنل هواپیماهای مذکور را در هر نقطه که باشند دستگیر نموده، برای محاکمه و کشف اسرار توطئه به محاکم صالح تحویل دهند...»<sup>۱</sup>

و در روز ۱۷ شهریورماه اطلاعات بیشتری از کودتاگران و تدارکات آنها را منتشر نمودند:

«فعالیت دربار و عده‌ای از افسران خائن ارتش برای اجرای کودتا و مختق ساختن ملت ایران، باکمال شدت ادامه دارد... اینها شب و روز در ارتش به تبلیغات مشغولند... اخیراً در ارتش نقل و انتقالات زیادی داده شده است، در اغلب این نقل و انتقالات، عوامل کودتا دست داشته‌اند. سرهنگ دیهیمی، عضو دفتر نظامی شاه، واسطه غالب این نقل و انتقالات بوده است. بدین ترتیب می‌خواهند افسران و افراد مورد اعتماد خود را در پُستهای حساس ارتش بگمارند، تا در موقع معین بتوانند بی‌دغدغه خاطر مقاصد خود را اجرا کنند...»<sup>۲</sup> و در توضیح تدارک کودتا نوشتند:

۱. همان، ص ۱

۲. «توطئه کودتا را باید به جنگ ضدکودتا مبدل ساخت»، سراجام، دوشنبه ۱۷ شهریورماه

«به‌دستور ستاد ارتش و زیر نظر شاه ۴۰ کامیون ارتشی در اختیار دژیانی مرکز قرار گرفته تا به کمک آنها عده‌ای از ژاندارمری دژیان که به لباس سیویل درخواهند آمد نقشه‌ای را به این طور اجرا کنند که به منازل افراد سرشناس حزب توده و جمعیت‌های دموکراتیک هنگام شب حمله کنند و حتی اگر لازم باشد چند نفر به عنوان دزدی به منازل این افراد بروند و عده‌ای از آنها را با اسلحه زخمی نمایند و عده‌ای دیگر را به عناوین مختلف گرفته در کامیونهای ارتشی بدون محاکمه به بیغوله‌ها و بنادر جنوب تبعید کنند»<sup>۱</sup>.

بر اثر این هشدارهای علنی و اطلاعات غیرمستقیمی که در اختیار دکتر مصدق قرار می‌گرفت، وی به اقدامات پیشگیرانه‌ای دست زد. روز ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱، سخنگوی دولت با اشاره به کشف توطئه کودتا اعلام کرد: «چون گزارشهایی از عملیات سرلشکر بازنشسته عبدالحسین حجازی و برادران رشیدیان رسیده بود که به معیت آقای سرلشکر زاهدی و بعضی افراد دیگر که دارای مصونیت پارلمانی هستند به نفع یک سفارت اجنبی مشغول توطئه و تحریک می‌باشند. نامبردگان که مصونیت پارلمانی نداشتند امروز صبح از طرف فرمانداری نظامی بازداشت و به زندان شهربانی تحویل گردیدند و نسبت به سایرین که مصونیت پارلمانی دارند، دولت مطالعه خواهد کرد تا اقدام لازم معمول گردد»<sup>۲</sup>. اما به رغم اعترافات رشیدیان به گرفتن پول از دربار و رکن ۲ ستاد ارتش برای مخارج کودتا، پس از مدت کوتاهی با پا درمیانی دربار، دستگیرشدگان آزاد

۱. همان، ص ۱، «چگونه کودتا را تدارک می‌بینند؟ دکتر مظفر بقایی برای خنثی و بی‌اعتبار کردن افشاگری‌های حزب توده در مورد کودتا، در روزنامه شاهد می‌نوشت که در شرایط کنونی خطر کودتا وجود ندارد و حزب توده با مطرح ساختن «داستان کودتا و ایجاد وحشت عمومی و تبلیغ شدید روی آن» می‌خواهد طرح» و اخورده ائتلاف برای تشکیل جبهه واحد ضد استعماری را دوباره زنده سازد.» بنابراین نایستی به این قبیل ادعاهای دروغین توجهی کرد.

شاهد، سال سوم، شماره ۷۶۷، یکشنبه ۱۳ مهرماه ۱۳۳۱، ص ۲.

۲. گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۸۳.



شدند. حتی سر تیپ بهرام آریانا از عوامل مؤثر توطئه کودتای شهریور ماه به عنوان وابسته نظامی سفارت ایران در فرانسه به آن کشور اعزام شد. به رغم چنین سیاست مماشات جویانه در برابر کودتاچیان، دکتر مصدق با در پیش گرفتن سیاست سرسختانه خارجی در پاسداری از اصول قانون ملی شدن صنعت نفت، منافع منطقه‌ای دولت‌های انگلستان و امریکا را به مخاطره انداخته و آنان را به واکنش جدی‌تر و سازماندهی همه جانبه عملیات سرنگونی وی وادار می‌کرد. در چنین شرایطی سازمان افسران حزب توده با بهره‌گیری از کلیه امکاناتش می‌توانست نقش مهمی در خنثی ساختن توطئه‌ها و اقدامات بر ضد نهضت ملی داشته باشد. اعضای سازمان افسران علاوه بر ردیابی و کشف توطئه‌های درون ارتش، به انحاء مختلف اطلاعات و اخبار گسترده‌ای از محافل ایرانی و خارجی مخالف نهضت ملی را در اختیار رهبری حزب توده قرار می‌دادند. از جمله این اعضا سروان ابوالقاسم قره‌گزلو بود.

سروان قره‌گزلو که از افسران مورد اعتماد رکن ۲ ستاد ارتش بوده، در دوره نهضت ملی شدن صنعت نفت با نام مستعار «مقدم» در خوزستان فعالیت می‌کرد و علاوه بر ریاست اداره اطلاعات نظامی مربوط به مناطق نفت‌خیز، ریاست شعبه رکن ۲ ستاد ارتش در خوزستان را برعهده داشت. وی از سوی ستاد ارتش موظف بود به بررسی اوضاع خوزستان و موقعیت نظامی آن از لحاظ سوق‌الجیشی پردازد و درباره نقاط ضعف ارتش در این منطقه بررسی نماید. همچنین مسئولیت دیگر وی کسب اطلاعات مربوط به عملکرد احزاب و سازمان‌های سیاسی در آن منطقه و خنثی کردن فعالیت حزب توده و جبهه ملی در خوزستان و به‌ویژه در شرکت نفت بود.<sup>۱</sup> با توجه به موقعیت حساس سروان قره‌گزلو، و اخبار و

۱. «اطلاعات جدیدی دربارهٔ توقیف افسران عضو سازمان نظامی حزب توده»، کیهان، سال سیزدهم، شماره ۳۳۸۰، چهارشنبه ۲۴ شهریورماه ۱۳۳۳، ص ۷.

اطلاعاتی که می‌توانسته از طریق سازمان افسران در اختیار رهبری حزب توده قرار دهد، از چگونگی فعالیت‌ها و اقدامات وی اطلاعی در دست نیست و پیرامون وی سکوت قابل تعمقی وجود دارد که احتمالاً ناشی از عملکردش در سال‌های پس از دستگیری می‌باشد.

از شهریور ماه ۱۳۳۱ تا مردادماه ۱۳۳۲، توطئه‌گران با سازماندهی و تدارک همه جانبه در بین سیاستمداران، نمایندگان مجلس شورا و سنا و ایجاد گروه‌بندی‌هایی در نیروهای مسلح نظامی و انتظامی و... فعالیت خود را برای سرنگونی دولت دکتر مصدق و سرکوب نهضت ملی گسترش دادند. سازمان افسران حزب توده که مراقب اعمال توطئه‌گران در نیروهای مسلح بود، موفق شد در گروه‌هایی آنان در ارتش نفوذ نماید و اخبار و اطلاعات به دست آمده از فعالیت‌ها، برنامه‌ها و مقاصد آنان را در اختیار رهبری حزب توده قرار دهد. سرگرد مهدی همایونی فرمانده گروهان ۲ هنگ پهلوی از جمله اعضای سازمان افسران بود که به گروه‌های توطئه‌گران راه یافته و در زمره تشکیلات ۲۵ نفره کودتاچیان قرار گیرد. وی در خاطراتش پیرامون مرداد ماه ۱۳۳۲ می‌نویسد:

«از اوایل مردادماه، در فرمانداری نظامی جنب وجوشهای زیادتری به چشم می‌خورد و مرتباً افسران فرمانداری نظامی را جمع کرده، دستورات موکدی در مورد اعمال خشونت و بازداشت دسته‌جمعی و جلوگیری از تظاهرات داده می‌شد... در دهه اول مردادماه علاوه بر جنب وجوشهای روزانه در فرمانداری نظامی، در منازل بعضی از افسران جلسات شبانه برگزار می‌شد و افسران وابسته [به دربار] شرکت کرده [و به] سخنرانیهایی [سرگرد] امجدی، [سرهنگ] آزموده، [سرهنگ] نصیری [گوش می‌دادند. در این جلسات] چند نفر شخصی که یکی [از آنها] هم خارجی بود، دیده می‌شدند... و در مورد مبارزه با توده‌ای‌ها و جبهه ملی [بحث کرده] و برای جلوگیری از هر نوع تجمع، شدت عمل توصیه می‌شد. گزارش این

جلسات را به مسئول خودم سرگرد محبی و ابوالحسن عباسی رابط مستقیم [با هیئت اجراییه سازمان] می‌دادم... از تاریخ ۱۷ مردادماه فعالیت در فرمانداری نظامی و جلسات تجمع و سخنرانیها فزونی یافت و دستورات نیز با مراقبتهای جدی پی‌درپی ابلاغ می‌شد.<sup>۱</sup> سرگرد همایونی که موفق به جلب اعتماد افسران کودتاجی شده بود، به دستور سرهنگ آزموده مأموریت‌های چهارگانه زیر را برای انجام کودتا در ۲۳ مردادماه برعهده گرفت:

۱. دستگیری سرهنگ ممتاز فرمانده هنگ جمشید آباد که مأموریت حفاظت از منزل دکتر مصدق را برعهده داشت...

۲. دستگیری سرتیپ رئیس ستاد ارتش...

۳. استقرار من [واحد تحت امر] همایونی [که سروان بلاری آن را سرپرستی می‌کرد، در کوچه خورشید در غرب کاخ سنا... جهت تقویت سربازان گارد که در پادگان باغشاه بودند. [آنها... مأموریت داشتند که پس از رفتن سرهنگ نصیری به خانه دکتر مصدق و ابلاغ فرمان] عزل او از نخست‌وزیری در صورتی که با مقاومت و تیراندازی مواجه شدند وارد عمل شوند...

۴. مأموریت قطع سیمهای تلفن و برق مرکز بازار در میدان اعدام

(خیام فعلی)»<sup>۲</sup>

اما سرهنگ آزموده در حدود ساعت ۱۰ شب ۲۳ مرداد به کودتاجیان اطلاع می‌دهد که عملیات امشب لغو شده است. سرگرد همایونی که قبلاً تمام اطلاعات و تدارکات و برنامه کودتاجیان را از طریق سرگرد محبی و سروان عباسی به رهبری سازمان افسران گزارش داده بود، بلافاصله خبر لغو عملیات را به اطلاع آنان می‌رساند. علت لغو عملیات کودتا در شب

۱. رک به بخش ضmann، صص ۲۴۶-۲۴۵.

۲. رک به بخش ضmann، صص ۲۴۷-۲۴۶.

۲۳ مرداد آن بود که سرهنگ نصیری، رابط افسران و گروه رهبری‌کننده کودتا، به علت تعطیلی روز جمعه موفق به تجهیز کودتاجیان نشده بود اما در شب ۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۲، «دستور صادر شد که بعد از نیمه‌شب به هر طریق [بایستی] عملیات انجام گردد.»<sup>۱</sup> و وظایف سرگرد همایونی نیز همان وظایف قبلی بود که می‌بایست انجام می‌داد. وی سریعاً مراتب را به اطلاع سازمان رسانید. علاوه بر سرگرد همایونی، تنی چند از اعضاء سازمان در زمره کودتاجیان جای گرفته و می‌توانستند در حدود مسئولیت خویش اطلاعاتی به سازمان افسران برسانند. سروان اسماعیل فیاضی افسر گارد جاویدان از زمره آنان بود که «سرشب ۲۴ مرداد به سرهنگ مبشری گزارش داد که پس از ساعت ۲۲ سرهنگ نصیری فرمانده گارد با زرهپوش و دسته سرباز با نامه‌ای از شاه به خانه دکتر مصدق نخست‌وزیر خواهد رفت... زرهپوش و دسته سرباز بی‌گمان برای این است که دکتر مصدق را دستگیر کرده و با خود ببرد. [سرهنگ] محمدعلی مبشری پس از دریافت گزارش، به نزد کیانوری رفته و جریان را به آگاهی او رسانده است و پس از گفتگو با نورالدین کیانوری، [از] تلفنی در کنار خیابان، به خانه مصدق تلفن کرده و او را آگاه کرد که سرهنگ نعمت‌الله نصیری فرمانده گارد با زرهپوش و دسته سرباز پس از ساعت ۲۲، برای دادن نامه‌ای نزد او خواهد آمد و گمان می‌رود بازداشت او در میان است...»<sup>۲</sup>. دکتر مصدق با آگاه ساختن سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش و تمهیدات دیگر به مقابله با کودتاجیان پرداخت.

کودتاجیان به قصد غافلگیر کردن هیئت دولت و سیاستمداران طرفدار

۱. همان، ص ۲۴۸.

۲. بابک امیرخسروی، نظر از درون به نقش حزب توده ایران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۵۲۸.

دکتر مصدق ساعت ۲۳ فعالیت خود را آغاز کرده و پس از دستگیری دکتر فاطمی، مهندس حق شناس و مهندس زیرک زاده، اقدام به دستگیری سرتیپ ریاحی نمودند که ناموفق ماند و همزمان عده دیگری از کودتاچیان سیم‌های تلفن ستاد ارتش را قطع کردند و تلفنخانه بازار را اشغال نمودند سرهنگ نعمت‌الله نصیری با چهار کامیون سرباز، دو جیب و یک زره‌پوش برای دستگیری دکتر مصدق به منزل وی رفته و خواستار ملاقات با دکتر مصدق و تسلیم‌نامه شاه به وی می‌شود. اما دکتر مصدق که بر اثر تلفن سرهنگ مبشری، از هدف و منظور سرهنگ نصیری آگاه بود، دستور بازداشت نصیری را به گارد محافظ خویش می‌دهد و آنان به یاری ستوان شجاعیان از اعضای سازمان افسران حزب توده که در ظاهر جزو کودتاچیان و همراه سرهنگ نصیری بود، وی را بازداشت می‌نمایند.<sup>۱</sup> و تا صبح روز ۲۵ مرداد ماه به تدریج کودتاچیان دستگیر و بازداشت می‌شوند. در بین بازداشت‌شدگان تنی چند از افسران عضو سازمان افسران حزب توده نیز قرار داشتند. بدین ترتیب کودتای ۲۵ مرداد بر اثر اقدامات سازمان افسران شکست خورد و محمدرضا شاه از کلاردشت به بغداد و سپس به رُم گریخت و مردم ایران در شرایط تاریخی برای تعیین آینده خود قرار گرفتند.

با انتشار خبر شکست کودتا و گریختن شاه، توده‌های مردم در شهرها به حرکت درآمده و با سرنگون ساختن مجسمه‌های رضا شاه و محمدرضا شاه خشم و نفرتشان نسبت به کودتاچیان را بروز دادند. رهبری حزب توده و جناح رادیکال نیروهای ملی به رهبری دکتر فاطمی

۱. رک به: افشاگری سروان داورپناه و سروان فشارکی، روزنامه اطلاعات، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، ص ۴، به نقل از ف. م. جوانشیر، تجربه تاریخی ۲۸ مرداد تهران حزب توده، ۱۳۵۹، ص ۲۸۲.

در استقبال از حرکت مردم با طرح شعار جمهوری و نفی سلطنت، خواستار تحول نظام سیاسی کشور شدند.<sup>۱</sup>

### کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

بحث جمهوری شدن ایران با شدت هر چه تمامتر در حوزه‌های سازمان افسران مطرح شده و به ترسیم آینده سیاسی کشور می‌پرداختند. سروان نظام‌الدین مدنی در این مورد می‌نویسد: «در حوزه بحث می‌شد که ابتدا باید دکتر مصدق که بین مردم طرفدار دارد، به ریاست جمهوری انتخاب شود و ما هم در حکومت شرکت داشته باشیم و کوشش نمائیم نفوذ زیادی در حکومت داشته باشیم و بیشتر مشاغل در دست ما باشد. پس از آن اگر دکتر مصدق روی موافق نشان داد که پیشرفتهای بعدی ما حتمی است، در غیر این صورت چون نیروی ما از لحاظ اعضاء و تعداد کارگران که دنبال حزب توده خواهند آمد، برتری دارد ما می‌توانیم او را از ریاست جمهوری در انتخابات بعدی عزل و خود حزب را سلاً حکومت را اداره نمایم...»<sup>۲</sup> ولی نه تنها جمهوری اعلام نشد، که کودتای بعدی از راه رسید و نهضت ملی را سرکوب کرد.

سازمان افسران نتوانست این کودتا را همانند دیگر کودتاها خنثی کند، زیرا چنان‌که بابک امیر خسروی می‌نویسد کودتای ۲۸ مرداد اقدامی برنامه‌ریزی شده نبود. «روز ۲۸ مرداد گروهی از اوباش و ولگردها که به

---

۱. روز ۲۵ مرداد، در تظاهرات یکصد هزار نفری میدان بهارستان دکتر فاطمی گفت: «... امروز شما بساط ننگین را سرنگون کردید... شکر خدا را که آخرین پابگاه سی‌ساله انگلستان یعنی دربار ننگین پهلوی آن‌چنان منهدم شد که جز اراده شما نمی‌توانست این کانون را منهدم کند.» و مردم با شعارهای «ما شاه نمی‌خواهیم»، «مرگ بر شاه خائن»، «نابود باد سلطنت، پیروز باد مصدق» و... از سخنان وی و دیگران استقبال کردند. رک به: «امروز پرچم سه رنگ ایران...»، باختر امروز، شماره ۱۱۷۳، دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۳۲.

۲. سروان نظام‌الدین مدنی، اوراق بازجویی، صص ۱۴ و ۱۸، کتاب سیاه درباره سازمان افسران توده، ص ۲۹۰.